

ضمایر تکراری در زبان فارسی

محمد راسخ مهند (دانشگاه بوعلی سینا)

چکیده: ضمایر تکراری در جایگاهی قرار می‌گیرند که سازه‌ای از آنجا حرکت کرده باشد. در زبان فارسی این ضمایر در بندهای موصولی، فک اضافه و گروه حرف اضافه‌ای با عنصر پیشاینده شده به کار می‌روند. ضمایر تکراری در فک اضافه و گروه حرف اضافه‌ای با عنصر پیشاینده شده اجباری‌اند و در مورد بندهای موصولی، با توجه به دیدگاه‌های کینن (KEENAN 1977) و هاؤ کینز (HAWKINS 1999, 2004)، حضور ضمایر تکراری تابع شرایطی است. اگر ضمیر هم‌مرجع با هسته‌بند موصولی، در جایگاه فاعل باشد، این ضمایر به کار نمی‌روند. اگر ضمیر هم‌مرجع با هسته‌بند موصولی، مفعول صریح باشد، حضور ضمایر تکراری اختیاری است و اگر ضمیر هم‌مرجع با هسته‌بندهای موصولی، مفعول غیر صریح یا وابسته ساخت اضافی باشد، حضور مفعول صریح اجباری است.

کلیدواژه‌ها: ضمایر تکراری، بند موصولی، فک اضافه.

۱. مقدمه

مک کی و مک دانیل (MaKee and McDaniel 2001: 114) ضمیر تکراری^۱ را ضمیری

1. resumptive pronoun

می‌دانند که در جایگاهی ظاهر می‌شود که از آن جایگاه سازه‌ای حرکت کرده‌است. هگمن (Haegeman 1994: 409) ضمیر تکراری را هم‌مرجع با هسته‌بند موصولی می‌داند. یکی از تفاوت‌های بندهای موصولی در زبان‌های مختلف نحوه ارجاع به هسته‌بند موصولی در درون بند موصولی است. مثلاً در زبان انگلیسی، ضمیری درون بند موصولی وجود ندارد که هم‌مرجع با هسته‌بند موصولی باشد و به آن اشاره کند (مثال ۱)، اما در زبان فارسی ضمیر می‌تواند درون بند موصولی به کار رود و هم‌مرجع با هسته‌بند موصولی باشد، که این نوع ضمایر را ضمایر تکراری می‌نامند (مثال ۲):

1. The man that I gave milk to _ .

۲- الف: مردی که من شیر را به او دادم کارمند بود.

ب: مردی که من شیر را به‌ش دادم کارمند بود.

در (۲ الف) ضمیر تکراری ضمیر آزاد است ولی در (۲ ب) ضمیر تکراری، پی‌بست مفعولی است. در واقع نقش پی‌بست ضمیری در (۲ ب)، یکی دیگر از نقش‌های پی‌بست‌های مفعولی است (ر.ک: راسخ مهند ۱۳۸۴).

دبیرمقدم (۱۳۸۴: ۴۳) به ساخت‌های موصولی و کاربرد ضمایر تکراری در آنها اشاره دارد و با ارائه مثال‌های زیر نشان می‌دهد که چه زمانی در ساخت‌های موصولی، ضمیر هم‌مرجع با هسته‌بند موصولی به کار می‌رود و چه زمانی این امکان وجود ندارد.

۳. نسربین مردی را که [Ø] / او علی را به مینا نشان داد] می‌شناسد.

۴. نسربین مردی را که [علی (او را) به مینا نشان داد] می‌شناسد.

۵. نسربین مردی را که [علی مینا را] * [Ø] / به او نشان داد] می‌شناسد.

در جمله (۳) ضمیر تکراری درون بند موصولی نقش فاعل دارد و هم‌مرجع با هسته‌بند موصولی (مردی را) است. در این وضعیت ضمیر تکراری به کار نمی‌رود. در جمله (۴) ضمیر تکراری، مفعول صریح بند موصولی است و با هسته‌بند موصولی هم‌مرجع است. همان‌گونه که مشخص است در این حالت کاربرد ضمیر تکراری اختیاری است. در جمله (۵) ضمیر تکراری، مفعول غیرصریح بند موصولی بوده، کاربرد آن اجباری است و نبود آن باعث نادستوری شدن جمله می‌گردد.

کینن و کامری (Keenan and Comrie 1977) دریافته‌اند که در زبان‌هایی که ضمیر تکراری

در بندهای موصولی کاربرد دارد، حضور ضمایر تکراری، بسته به هسته‌بند موصولی، قابل پیش‌بینی است. اصل آنها تحت عنوان سلسله‌مراتب دسترسی^۲، به این معنی است که اگر زبانی برای هر رده، از ضمایر تکراری استفاده کند، در مورد رده‌های پایین‌تر نیز از ضمیر تکراری استفاده خواهد کرد. سلسله‌مراتب دسترسی آنها به این ترتیب است:

فاعل < مفعول صریح < مفعول غیرصریح < حالت اضافی

به این ترتیب، اگر در زبانی هسته‌بند موصولی، مفعول صریح باشد و ضمیر تکراری در آن به کار رود، در مورد بندهای موصولی‌ای که هسته آنها مفعول غیرصریح یا ساخت اضافی باشد نیز ضمیر تکراری کاربرد دارد. هاوکینز (Hawkins 1999, 2004) تبیینی نقشی از حضور ضمایر تکراری در بندهای موصولی ارائه می‌دهد. به باور وی وظیفه شنونده معین کردن هم‌مرجع هسته‌بند موصولی در درون بند موصولی است. از دیدگاه گوینده نیابردن ضمیر تکراری خوب است، چون اقتصاد زبانی را رعایت کرده‌است، اما علاقه شنونده متفاوت است. اگر ضمیر تکراری در بند موصولی باشد، اصل شمایل^۳ بهتر رعایت شده‌است که بر این اساس، هر واحد معنایی باید دارای مابه‌ازای ساختاری باشد (KEENAN 1987) و به این ترتیب درک آن واحد معنایی آسان‌تر خواهد بود. اگر ضمیر تکراری در بند موصولی به کار نرفته باشد، یافتن مرجع سخت‌تر است و هر چقدر فاصله میان هسته‌بند موصولی و محل‌سازه هم‌مرجع با آن در بند موصولی بیشتر باشد، این سختی بیشتر خواهد شد. مثلاً اگر در زبان فارسی توالی کلمات جمله را فاعل + مفعول صریح + مفعول غیرصریح + فعل بدانیم، فاصله میان هسته‌بند موصولی و فاعل کمتر از فاصله آن با مفعول صریح و مفعول غیرصریح است. به این ترتیب پیش‌بینی می‌شود که مثلاً اگر در فارسی ضمیر هم‌مرجع با هسته‌بند موصولی، فاعل باشد، احتمالاً نیازی به آمدن ضمیر تکراری به جای فاعل در بند موصولی نیست؛ چون فاصله آن کم است و امکان تعیین هم‌مرجع برای شنونده سخت نیست، اما در عین حال اگر ضمیر متناظر با هسته‌بند موصولی، مفعول غیرصریح باشد، حضور ضمیر تکراری بیشتر مورد نیاز است، چون فاصله هسته و ضمیر مرتبط با آن بیشتر است. در بخش (۲) خواهیم دید که این پیش‌بینی درست است و با بررسی ضمایر تکراری در بندهای موصولی فارسی، هم

سلسله مراتب دسترسی (KEENAN 1977) و هم تبیین نقشی هاوکینز (HAWKINS 1999, 2004) را بررسی خواهیم کرد. البته به این نکته نیز اشاره خواهد شد که ضمایر تکراری فارسی فقط در بندهای موصولی دیده نمی شوند و ساخت های دیگری نیز دارای این ضمایر هستند. بخش (۳) مقاله به اجباری و اختیاری بودن ضمایر تکراری در فارسی می پردازد.

۲. توزیع ضمایر تکراری

در نمونه های (۶)، (۷) و (۸) ضمایر تکراری به کار رفته است:

۶- الف: مردی که تو او را دعوت کردی / دعوتش کردی کارآگاه است.

ب: کسی که تو از او / ازش شکایت کردی دیوانه است.

ج: پسری که پیراهن او / پیراهنش زرد است معلم است.

۷- الف: علی باباش اومد (بابای علی اومد).

ب: آفاکوچیک رو چقدر خرج تحصیلش کردم. (چقدر خرج تحصیل آفاکوچیک

کردم).

ج: من پدرم مریضه (پدر من مریضه).

۸- الف: علی را برایش مغازه باز کردیم (برای علی مغازه باز کردیم).

ب: احمد را ازش پول قرض گرفتیم (از احمد پول قرض گرفتیم).

نمونه های (۶) بندهای موصولی هستند. در هر سه جمله ضمیر تکراری به کار رفته است که در برخی موارد اختیاری و در برخی موارد اجباری است. در ادامه به بررسی بندهای موصولی فارسی و حضور ضمایر تکراری در آنها می پردازیم. همچنین، همان طور که ملاحظه می شود، در این جملات ضمیر تکراری می تواند ضمیر آزاد یا پی بست باشد.

نمونه های (۷) مثال هایی از فک اضافه (صادقی ۱۳۵۸) در فارسی هستند. در واقع، در جمله (۷ الف) «بابای علی» ساخت اضافی بوده که هسته آن «بابا» و وابسته آن «علی» بوده است، اما با حرکت دادن وابسته و آوردن آن به پیش از هسته، به جای آن ضمیر تکراری به کار رفته است. این ساخت ها بیشتر در محاوره مرسوم هستند و حضور ضمیر تکراری به صورت آزاد در این جملات رایج نیست، ولی ضمیر تکراری به صورت

پی بست در آنها به کار می رود.

نمونه های (۸) نیز کاربرد ضمایر تکراری را در گروه های حرف اضافه ای نشان می دهد. مثلاً در (۸ الف) «برای علی» گروه حرف اضافه ای بوده است که با حرکت متمم به قبل از حرف اضافه، ضمیر تکراری به جای عنصر حرکت داده شده به کار رفته است. در این ساخت نیز ضمیر تکراری پی بست است و آمدن ضمایر آزاد رایج نیست. پس می توان گفت ضمایر تکراری در سه ساخت در فارسی کاربرد دارند: بندهای موصولی، فک اضافه و گروه های حرف اضافه ای با متمم پیشاینده شده. در بخش (۳) به کاربردهای اجباری و اختیاری ضمایر تکراری در فارسی خواهیم پرداخت.

۳. اجباری و اختیاری بودن ضمایر تکراری

در این بخش ابتدا به حضور یا عدم حضور ضمایر تکراری در بندهای موصولی فارسی می پردازیم و سپس به دو جایگاه دیگر آنها در فک اضافه و گروه های حرف اضافه ای با متمم پیشاینده شده می پردازیم.

جملات (۹) حضور ضمایر تکراری در بندهای موصولی را نشان می دهد:

۹- الف: مردانی که * آنها / - آمدند معلم های سابق من بودند.^۴

ب: مردی که او را / - دیدم معلم سابق من بود.

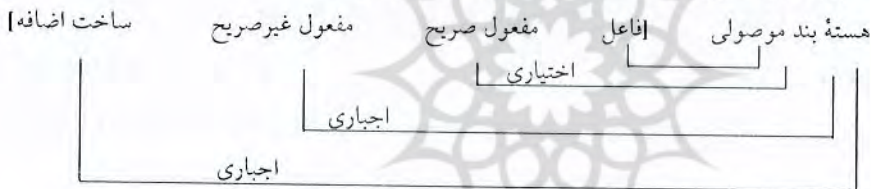
ج: مردی که با او / * یا - حرف زد معلم سابق من بود.

د: مردی که پیراهن او / * - زرد است معلم سابق من بود.

در (۹ الف) ضمیر هم مرجع با هسته بند موصولی، فاعل است و همان گونه که دیده می شود، حضور ضمیر تکراری باعث نادستوری شدن جمله می شود، اما جمله بدون ضمیر تکراری دستوری است. در (۹ ب) که ضمیر تکراری، مفعول صریح بند موصولی است، حضور ضمیر تکراری اختیاری است. در (۹ ج) که ضمیر تکراری، مفعول غیر صریح بند موصولی است، حضور ضمیر تکراری لازم است و نبودن آن باعث

۴. البته در ظاهر در جمله مردی که آمدش معلم من بود، ضمیر تکراری -ش به کار رفته است، اما باید دقت کرد که نقش -ش در این جمله ضمیر تکراری نیست و مانند شناسه عمل می کند و فقط در مورد افعالی که شناسه صفر دارند کاربرد دارد. برای بحث بیشتر ر.ک: جهان پناه (۱۳۸۰).

نادستوری شدن جمله می‌شود. در (۹ د) نیز که ضمیر متناظر با هسته‌بند موصولی، وابسته ساخت اضافه است، حضور ضمیر تکراری لازم است و نبودن آن باعث نادستوری شدن می‌گردد. به این ترتیب می‌توان گفت که پیش‌بینی کینن (KEENAN 1977) در سلسله‌مراتب دسترسی، در مورد ضمایر تکراری، درست است. در زبان فارسی به‌غیر از فاعل که در ابتدای این سلسله‌مراتب است، اگر بقیه نقش‌های دستوری، هسته‌بند موصولی واقع شوند، ضمیر تکراری در بند موصولی می‌تواند یا باید بیاید. در واقع دیدگاه هاوکینز (Hawkins 1999, 2004) را می‌توان به‌صورت زیر نشان داد. برطبق این نمودار وقتی ضمیر متناظر با هسته‌بند موصولی، فاعل است، نیازی به ضمیر تکراری نیست. وقتی این ضمیر مفعول صریح بند موصولی است، حضور ضمیر تکراری اختیاری است، اما در سایر موارد وقتی فاصله میان هسته‌بند موصولی و جایگاه ضمیر تکراری زیاد می‌شود، حضور آن ضمیر اجباری می‌شود:



پس می‌توان گفت دیدگاه‌های کینن (KEENAN 1977) و هاوکینز (Hawkins 1999, 2004) در مورد ضمایر تکراری، با داده‌های فارسی تأیید می‌شود. حضور ضمیر تکراری در دو جایگاه دیگر، یعنی فک اضافه و گروه حرف اضافه‌ای با متمم پیش‌بند شده، اجباری است. در این موارد اگر ضمیر تکراری به کار نرود، ساخت نادستوری خواهد شد. در این دو جایگاه حرکت نحوی صورت می‌گیرد و به جای عنصر حرکت کرده، ضمیر تکراری قرار می‌گیرد.

پس می‌توان گفت ضمایر تکراری در سه جایگاه در فارسی به کار می‌روند که حضور آنها در دو جایگاه اجباری است و در مورد بندهای موصولی نیز فقط در یک مورد که هسته‌بند موصولی با فاعل بند موصولی هم‌مرجع است، این ضمایر به کار نمی‌روند و در مورد مفعول صریح نیز اختیاری هستند، اما در سایر موارد کاربرد آنها اجباری است.

منابع

- جهان پناه، سیمین دخت (۱۳۸۰)، «ضمیر متصل - ش و داشتن، دو گرایش تازه در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۶، ش ۱، پیاپی ۳۱، ص ۱۹-۴۳؛
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۴)، پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی، مجموعه مقالات، مرکز نشر دانشگاهی، تهران؛
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۴)، «نشانه مطابقت مفعولی در زبان فارسی»، ارائه شده در نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران، تهران، ۲۳ و ۲۴ اسفند ۱۳۸۴؛
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۵۸)، دستور، سال دوم آموزش متوسطه عمومی رشته فرهنگ و ادب، سازمان کتاب‌های درسی ایران؛
- HAEGEMAN (1994), *An Introduction to Government and Binding Theory*, Oxford and Cambridge, Blackwell Publishers;
- HAWKINS, J. A. (1999), "Processing complexity and filler-gap dependencies across grammars", *Language* 75, 2: 244-285;
- (2004), *Efficiency and Complexity in Grammars*, Oxford, Oxford University Press;
- KEENAN, E. and B. Comrie, (1977), "Noun phrase accessibility and universal grammar", *Linguistic Inquiry* 8, 1: 63-89;
- KEENAN, E. (1977), "On surface form and logical form", In: Keenan E., *Universal Grammar, Fifteen Essays*, London, Croom Helm: 89-120;
- (1987), "A semantic definition of Indefinite NP", In: Reuland, E. & ter Meulen, A. (1987), (eds.), *The Representation of (In)definiteness*, Cambridge, Mass., MIT Press: 286-317;
- McKEE, Cecile and Dana McDaniel (2001), "Resumptive pronouns in English relative clauses", *Language Acquisition* 9: 113-156.

□

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی